



عقل و علم در مقایسه با منزلت عبادت، برتری دارند

حجت الاسلام حمید پارسانیا اظهار کرد: در فرهنگ اسلامی عقل و علم در مقایسه با منزلت عبادت، برتری دارند و حتی عقل و علم درست یا غلط بودن ایمان را مشخص می کنند.

حجت الاسلام حمید پارسانیا اظهار کرد: در فرهنگ اسلامی عقل و علم در مقایسه با منزلت عبادت، برتری دارند و حتی عقل و علم درست یا غلط بودن ایمان را مشخص می کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام حمید پارسانیا، استاد دانشگاه تهران در چهارمین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی با موضوع «تطورات عقل و علم؛ به سخنرانی پرداخت و اظهار کرد: از مهم ترین دلایل ها برای تطورات معنای علم، تطورات در معنای عقل و اهمیت و جایگاه علم وابسته به اهمیت و جایگاه عقل در درون هر فرهنگ است. در جهان اسلام، عقل در آیات و روایات با معانی مختلفی به کار برده شده است و مسلمانان نیز رویکردهای مختلفی به عقل داشته اند. در جهان مدرن هم علم متناسب با تطورات عقل معناهای مختلفی پیدا کرده است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه با اشاره به جایگاه عقل گفت: عقل گاهی به عنوان موجود مجرد و گاهی به عنوان قوه ادراک به کار می رود. در فرهنگ اسلامی عقل و علم در مقایسه با منزلت عبادت، برتری دارند و حتی عقل و علم درست یا غلط بودن ایمان را مشخص می کنند. یکی از معانی عقل در اسلام، عقل مجرد فراتر از موجودات و مستقل از آنها است. این عقل بر زمین محاط و وظیفه اش انتقال فیض به موجودات و وابسته به خداوند، است. در برابر این معنا، عقل به عنوان قوه ادراکی نیز بیان شده است. عقل در درون انسان طبقه و تقسیم بندی هایی نیز دارد و یکی از این طبقه بندی ها تقسیم عقل به انواع نظری و عملی است.

وی افزود: عقل نظری نیز به سه قسم یعنی بالقوه، بالفعل و مستفاد تقسیم می شوند. هر انسانی سرمایه اولیه یعنی عقل بالقوه و تا حدودی نیز عقل بالفعل دارد. اینکه انسان خوبی و بدی ها را بدون آموزش تشخیص می دهد، مثلاً طالب رسیدن به خیر و سعادت و از ظلم متنفر است، مربوط به همین نکته است. عقل بالفعل نیز با استدلال بدست می آید. برای رسیدن به عقل مستفاد باید مراحل را طی کرد. باید هوا و هوس را به کمک عقل مهار کرد و وقتی عقل مسلط شد زمینه توجه به حقایق متعالی فراهم می آید و لذت و بهجتی به انسان دست می دهد و این انسان صاحب عقل مستفاد می شود، ولی انسان دارای عقل مستفاد بدون نیاز به استدلال به حقایق امور می رسد.

وی ادامه داد: صاحب عقل مستفاد چند خصوصیت دارد: ارشاد به سوی آنچه می داند. فرد صاحب عقل مستفاد می فهمد که بعضی از امور را نمی داند. همچنین می فهمد که نیاز به کمک دارند. انسان فاقد عقل مستفاد، عقل مفهومی و استدلالی دارد و با کمک حس بعضی از مسائل را درک می کند. البته عقل همان داده های حسی را به قانون تبدیل می کند. عقل مفهومی منطقی دارد که با تحصیل کردن، خلوت گزیدن و ... به دست می آید. عقل مفهومی به کمک نقل بر اطلاعاتش افزوده می شود و در بعضی از موارد، معرفت تنها از طریق نقل بدست می آید. متأسفانه در جهان مدرن چون علم را آزمون پذیر تعریف کرده اند، علم از یک سری معارف ارزشمند که از نقل به دست می آید محروم شده است. یکی از بحث های جدی در جهان اسلام رابطه بین عقل و نقل بوده و بر اساس این رابطه طبقه بندی علوم نیز فرق می کند. البته جهانی که عقل مستفاد و وحی را کنار گذاشت، این بحث ها در آن راه ندارد.

حجت الاسلام پارسانیا با بیان اینکه، در جهان مدرن عقل معناهای متفاوتی دارد، ادامه داد: جهان مدرن با دکارت شروع می شود و عقل مورد نظر دکارت، عقل روشنگری، یک عقل مفهومی است. از نظر دکارت ۳ جوهر متفاوت یعنی جسم، نفس و خدا وجود دارد. این عقل هنوز پذیرای علم تجربی و ویژگی مشترکش با عقل در جهان اسلام، قوه ادراک است. اما در کانت عقل معنای دیگری پیدا می کند و عقل سوپروکتیو می شود. در این دیدگاه مفاهیم عقل متعلق به سوژه است و سوژه این مفاهیم را از جهان نگرفته است بلکه این مفاهیم بر جهان افکنده می شوند و ما به واسطه این مفاهیم جهان را می شناسیم. این عقل متعلق به درون انسان است و به بیرون از ذهن انسان ربطی ندارد. از نظر کانت، ما جهان را با ذهن خود تفسیر می کنیم. ما فقط می توانیم جهان را تفسیر کنیم و از شناخت جهان عاجزیم. در کانت عقل معنای متعالی خود را از دست می دهد و شبه استعلایی می شود.

استاد دانشگاه تهران افزود: بعد از کانت، نئو کانتی ها به واسطه هگل عقل را تاریخی می کنند. با این دیدگاه مفاهیم

ثابت نیستند و در هر مقطع تاریخی شکل خاصی به خود می گیرند. امر سوپژکتیو، تاریخی می شود، اما هنوز سوژه است. این معانی عقلی حقایق محض نیستند. اما در قرن بیستم، بحث از ساختار و تأثیری که ساختار بر سوژه می گذارد شکل می گیرد و ساختار گرایان معتقد بودند که سوژه به وسیله ساختار کنش می کند. در این فضا و حال و هوای قرن بیستم نظریات جامعه شناسی تحت تأثیر دو گروه از متفکرین مطرح می شد؛ ZWNj& شدند که بعضی معتقد به عاملیت سوژه و بعضی نیز معتقد به عاملیت ساختار بودند. در اوایل قرن بیستم، سوژه دیگر جایگاه و اعتبار قرن ۱۷ و ۱۸ را نداشت و ظهور متفکران پسامختارگرایانی همچون فوکو بحث مرگ سوژه در فضای جهان مدرن به طور جدی طرح شد. همه این بحث ها در غرب در حالی جاری بود که در سنت اسلامی، عقل فراتاریخی و فرا فرهنگی است.

چهارمین دوره طرح ملی گفتمان نخبگان علوم انسانی با حمایت و نظارت دانشگاه باقرالعلوم(ع) دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در حال برگزاری است.